

www.csr.ir

رخساره انسان گرایی

در همایش دوربان

دکتر پیروز ایزدی

برگزاری همایش مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

مقدمه

همایش بین المللی ضد نژادپرستی، تبعیض نژادی، بیگانه ستیزی و عدم تساهل به ابتکار سازمان ملل متحد از تاریخ ۳۱ اوت ۲۰۰۱ به مدت ۸ روز در شهر دوربان واقع در کشور آفریقای جنوبی برگزار شد. در حاشیه برگزاری این همایش، گردهمایی دیگری توسط سازمان های غیردولتی از تاریخ ۲۸ اوت تا ۱ سپتامبر در همین رابطه برپا شد که بار دیگر به نقش فزاینده سازمان های غیردولتی در مقابله با مشکلات فراروی جهان معاصر تأکید داشت. در این مقاله سعی می شود پیشینه، دستور کار و نتایج همایش ضد نژادپرستی و در کنار آن پیشنهادهای و خواسته های سازمان های غیردولتی و نقش این سازمان ها در روند کلی

پیشینه و دستور کار

با گذشت پنجاه سال از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸، جامعه جهانی شاهد برداشتن گام های بلند در زمینه محو کلیه اشکال نژادپرستی و تبعیض نژادی از رهگذر تصویب و اجرای قوانین ملی و بین المللی بوده است. نقطه اوج این تلاش ها سرنگونی رژیم آپارتاید در آفریقای جنوبی بود. با این حال، رؤیای جهانی عاری از نفرت و تعصبات نژادی برای انسان های حق طلب و عدالتخواه-رؤیایی که زمانی مارتین لوتر کینگ در سخنرانی معروف خود از آن صحبت کرد- هنوز به طور کامل تحقق نیافته است.

باپیشرفت فناوری و نزدیک تر شدن مردم جهان به یکدیگر و نیز شکسته شدن موانع سیاسی، پدیده‌های شومی نظیر تبعیض نژادی، بیگانه ستیزی و دیگر اشکال عدم تساهل آفت‌هایی هستند که زمینه فساد و اضمحلال جوامع بشری از درون را فراهم می‌آورند. در سال‌های اخیر «پاکسازی نژادی» چهره زشت خود را در معرض دید جهانیان قرار داده است و اندیشه مذموم برتری نژادی به رسانه‌های نوین نظیر اینترنت راه باز کرده است. حتی پدیده جهانی شدن این خطر را به همراه دارد که منجر به محرومیت بیشتر برخی اقوام و نژادها و افزایش بی‌عدالتی در سطح جهان شود.

از این رو، با پیچیده تر شدن تبعیض نژادی و خشونت قومی، ضرورت توسل به ابزارهای جدید برای مقابله با آنها توسط سازمان ملل متحد احساس شد و به همین منظور مجمع عمومی این سازمان در سال ۱۹۹۷ طی قطعنامه شماره ۵۲/۱۱۱ تصمیم به برگزاری این همایش گرفت تا شاید همایش مزبور نقطه عطفی در مبارزه برای ریشه‌کن ساختن کلیه اشکال نژادپرستی از رهگذر ایجاد سازوکاری قوی برای پیگیری و نظارت بر اقدامات دولت‌ها در جهت عمل به وعده‌هایشان باشد. در واقع، هدف از برگزاری این همایش، آن گونه که مری رایبسون، کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد بیان داشت، پدید آوردن یک بینش جدید جهانی برای مبارزه با نژادپرستی در قرن بیست و یکم و تحقق این

اندیشه بود که ماهمه اعضای یک خانواده هستیم. به منظور برگزاری هر چه بهتر این همایش، کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد نقش کمیته تدارکاتی این همایش جهانی را برعهده گرفت. پیش از برگزاری همایش، برپایی دو جلسه بین دولتی مقدماتی پیش‌بینی شده بود. این جلسات به ترتیب در ماه مه سال ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ در ژنو تشکیل شد و طی آن در مورد دستور کار موقت، رویه‌های اجرایی، پیش‌نویس اعلامیه و برنامه اقدام همایش توافق صورت گرفت. همچنین در جریان سال‌های ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰ شش سمینار تخصصی منطقه‌ای در ژنو، ورشو، بانکوک، آدیس‌آبابا و سانتیاگو برگزار شد. هدف از برگزاری این سمینارها بحث درباره موضوعات در اولویت هر یک از این مناطق و پیشبرد گفتگوی منطقه‌ای در مورد نژادپرستی، افزایش آگاهی‌ها و مبادله اطلاعات در مورد موضوعات مربوط به نژادپرستی و عدم تساهل بود.

سمینارهای تخصصی بر موضوعاتی نظیر پناهندگان و دولت‌های چندقومی، جبران خسارت قربانیان، حمایت از اقلیت‌ها، مهاجران و قاچاق‌انسان، منازعات قومی و تدابیر اقتصادی و اجتماعی برای گروه‌های آسیب‌پذیر تمرکز یافته بودند.

همچنین اجلاس‌هایی در سطح منطقه‌ای بین دولت‌ها برگزار شد که از آن میان می‌توان در سال ۲۰۰۰ به اجلاس کشورهای اروپایی در استراسبورگ در ماه اکتبر، اجلاس کشورهای



آمریکایی در سانتیاگو پایتخت شیلی در ماه دسامبر و در سال ۲۰۰۱ به اجلاس کشورهای آفریقایی در اکادرمه ژانویه و اجلاس کشورهای آسیایی در تهران در ماه فوریه اشاره کرد.

سازمان‌های غیردولتی نیز در سرتاسر جهان دست به اقدامی مشابه برای فراهم آوردن تدارکات لازم زدند.

دستورکار موقت اجلاس دوربان حول پنج محور سازمان یافته بود:

الف- منابع، علت، اشکال و تجلیات معاصر نژادپرستی، تبعیض نژادی و عدم تساهل؛

ب- قربانیان نژادپرستی، تبعیض نژادی و عدم تساهل؛

ج- تدابیر مربوط به پیشگیری، آموزش و حمایت با هدف ریشه کن ساختن نژادپرستی، تبعیض نژادی و تساهل در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی؛

د- فراهم آوردن امکان جبران مؤثر صدمات وارده از طریق پرداخت غرامات و دیگر اقدامات ضروری در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی؛

ه- اتخاذ استراتژی‌هایی برای نیل به برابری کامل و مؤثر از جمله همکاری بین‌المللی و ارتقای نقش سازمان ملل متحد و دیگر ساز و کارهای بین‌المللی برای مقابله با نژادپرستی، تبعیض نژادی و بیگانه ستیزی.

مباحث همایش

الف- مهاجرت و تبعیض

آمارها نشان می‌دهند که حدود ۱۵۰ میلیون مرد،

زن و حتی کودک که تقریباً ۳ درصد از جمعیت کل جهان را تشکیل می‌دهند، در کشوری خارج از کشور محل تولد خود اقامت دارند. امروزه به ندرت منطقه‌ای در جهان یافت می‌شود که پذیرای مهاجران نباشد. کلیه کشورها در این میان یکی از سه نقش مبدأ، محل عبور و مقصد را برای مهاجران ایفا می‌کنند. بسیاری از کشورها

نیز هر سه نقش را برعهده دارند. بیش از نیمی از مهاجران در سطح بین‌المللی در کشورهای در حال توسعه زندگی می‌کنند. بنا به گفته سازمان بین‌المللی مهاجرت (International Organization for Migration)

بیشترین تعداد مهاجران در آسیا اقامت دارند، اروپا و آمریکای شمالی با تعداد برابر مهاجران در مرتبه بعدی قرار می‌گیرند و به دنبال آنها به ترتیب آفریقا، آمریکای لاتین و اقیانوسیه قرار دارند.

سازمان بین‌المللی کار (ILO) چنین برآورد می‌کند که حدود ۸۰ میلیون نفر از این مهاجران کارگر هستند. به طور کلی باید گفت که مهاجرت پدیده‌ای تازه و یا متعلق به یک محل و یا ناحیه خاص نیست. زنان و مردان وطن خود را در جستجوی شغل و زندگی بهتر ترک می‌کنند. همچنین افراد به دلیل منازعات داخلی و ناامنی و یا تعقیب پلیسی از کشور خود خارج می‌شوند. با این حال، در این دنیای جهانی شده، ما شاهد

تحرك بی‌سابقه نیروی کار و افزایش فشار برای مهاجرت هستیم. گارت هاوول (Gareth Howell)

نماینده سازمان بین‌المللی کار در سازمان ملل متحد

خاطرنشان می‌سازد که «افزایش محدودیت‌های مهاجرت منجر به افزایش قاچاق مهاجران می‌شود که اغلب دارای پیامدهای غم‌انگیزی برای شخص مهاجر است».

زنان و کودکان بیش از نیمی از مهاجران و آوارگان را تشکیل می‌دهند و نسبت آنها در مقایسه با دیگر گروه‌های مهاجر رو به افزایش است. ۹۶ درصد کودکانی که در خیابان‌ها کار می‌کنند و می‌خوانند مهاجر هستند و حدود نیمی از آنها را دختران ۸ تا ۱۴ ساله تشکیل می‌دهند.

مهاجران به ویژه گروه آسیب‌پذیری هستند و حقوق آنان نه تنها به عنوان کارگر بلکه به عنوان افراد بشر به طور دائم مورد تجاوز قرار می‌گیرد. آنان مواجه با تبعیض و خصومت ناشی

از بیگانه‌ستیزی هستند. آن‌گونه که سازمان بین‌المللی مهاجرت بیان می‌کند «مهاجران به طور روز افزون به شکل سپریلا برای انواع مشکلات داخلی که امروزه جوامع با آنها مواجه‌اند به ویژه بیکاری، جرم و جنایت، مواد مخدر و حتی تروریسم هدف واقع می‌شوند».

همان‌طور که خانم گابریلا رودریگز پزارو (Gabriela Rodriguez Pizarro) گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در امور مربوط به حقوق بشر پناهندگان ابراز می‌دارد: «این امر به ویژه در

مورد بسیاری از مهاجرانی که فاقد مدارک معتبر هستند و یا در وضعیتی غیرعادی وارد کشور میزبان شده‌اند از جمله قربانیان قاچاق انسان مصداق دارد.» طبق آمارهای سازمان ملل متحد

بین ۳۰۰,۰۰۰ تا ۶۰۰,۰۰۰ زن هر ساله به کشورهای اتحادیه اروپا و برخی کشورهای اروپای مرکزی قاچاق می‌شوند. همچنین این مسئله در آفریقا و آمریکای لاتین نیز شیوع زیادی دارد. خانم

رودریگز پزارو در گزارش خود به کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل می‌نویسد: «افرادی که به لحاظ رنگ پوست، ظاهر فیزیکی، لباس، لهجه یا مذهب از اکثریت در کشور میزبان متفاوت هستند اغلب هدف خشونت فیزیکی و دیگر انواع تجاوزات به حقوق خود قرار می‌گیرند، صرف‌نظر از این‌که به لحاظ حقوقی از چه وضعیتی برخوردار باشند.» او در ادامه می‌نویسد:

«احساس بیگانگی جزئی از مهاجر بودن است.» وی همچنین در گزارش خود به این نکته اشاره می‌کند که «نژادپرستی ممکن است بر اثر توزیع غیرمنصفانه ثروت، به حاشیه رانده شدن و محرومیت اجتماعی به وخامت گراید. تکنولوژی‌های ارتباطاتی جدید از جمله اینترنت برای پخش تبلیغات نژادپرستانه و ترویج بیگانه‌ستیزی مورد استفاده قرار می‌گیرند. گزارش همچنین به ستم مضاعفی اشاره دارد که زنان مهاجر با آن مواجه‌اند؛ آنان در خانه و در محیط کار خود در معرض انواع خشونت‌ها و سوء استفاده‌ها قرار دارند.

مری رایبسون (Mary Robinson) کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل و دبیرکل همایش جهانی ضد نژادپرستی، تبعیض نژادی، بیگانه‌ستیزی و عدم تساهل در اجلاس مجمع اقتصاد جهانی در

داووس در ژانویه سال جاری به رهبران اقتصادی و بازرگانی جهان هشدار داد که «تبعیض در محیط کار همچنان در سرتاسر جهان یک نگرانی جدی محسوب می شود». وی گفت: «مطالعات نشان می دهند که تبعیض نژادی در محیط کار می تواند تأثیرات جدی بر اقلیت ها و کارگران و نیز بر آینده کودکان آنها داشته باشد. کارگرانی که به دلیل نژاد، رنگ پوست، ملیت، نسب و یا قومیت خود دستخوش انواع تبعیض ها واقع می شوند از استرس، عصبانیت و خستگی رنج می برند، امری که نهایتاً باعث افت کیفیت کار آنان خواهد شد.» مری رایبسون اخیراً نیز نگرانی خود را از رفتار خشن با کودکان و خانوادها مهاجران، ترس و انزجار از بیگانگان در بخش های خصوصی و دولتی و برخورد با مهاجران غیرقانونی به عنوانی افرادی جنایتکار ابراز داشته است.

نکته جالب این که برآوردهای اخیر صندوق بین المللی پول نشان دهنده آن است که جوهری که کارگران مهاجر از درآمد خود برای خانواده هایشان در کشورهای خود ارسال کرده اند، در سال ۱۹۹۷ بالغ بر ۷۷ میلیارد دلار شده است که به لحاظ جریان پولی تجارت بین المللی پس از صادرات جهانی نفت در مرتبه دوم قرار دارد.

ب- ابعاد نژادی قاچاق انسان ها

هرساله میلیون ها نفر که اکثریت آنها را زنان و کودکان تشکیل می دهند با فریب، بر اثر خرید و

فروش، به اجبار و یا به طرق دیگر در وضعیتی قرار می گیرند که شدیداً استثمار می شوند، بدون این که از آن راه گریزی داشته باشند. آنها به منزله کالا هایی در یک صنعت جهانی چند میلیارد دلاری هستند که تحت کنترل گروه های جنایتکار سازمان یافته ای قرار دارند که بدون این که هیچ گونه مجازاتی آنها را تهدید کند به فعالیت مشغول اند.

آنچه که اولوسگون اباسانجو (Olusegun Obasanjo) رئیس جمهور نیجریه، آن را «تجارت برده جدید» خوانده است، اخیراً ابعاد وسیع تر و جدی تری پیدا کرده است. چنین برآورد می شود که سالانه بین ۴۵,۰۰۰ تا ۵۰,۰۰۰ زن و کودک تنها به ایالات متحده قاچاق می شوند. مشکلات اقتصادی فزاینده به ویژه در کشورهای در حال توسعه و در حال گذار، موانع فراوان در راه مهاجرت قانونی و منازعات مسلحانه جدی باعث افزایش شمار موارد قاچاق انسان و نیز گسترش این مسئله به مناطقی شده اند که قبلاً کمتر شاهد این مسائل بوده اند.

یکی از عوامل تعیین کننده عمده پدیده قاچاق انسان تفاوت هایی است که به لحاظ اقتصادی میان کشورهای مبداء و کشورهای مقصد وجود دارد. همانند سایر اشکال مهاجرت غیرقانونی، قاچاق انسان ها مستلزم حرکت از کشوری فقیر به کشوری ثروتمند است. همچنین این پدیده در جریان منازعات اجتماعی طولانی و پس از آنها شیوع پیدا می کند. هم اکنون یوگسلاوی سابق

به مرکزی برای قاچاق انسان تبدیل شده است. شواهد از آن حکایت دارند که در جریان بحران کوزوو زنان و دختران توسط گروه‌های مسلح از اردوگاه‌های پناهندگان در شمال آلبانی ربوده شده و یا به شیوه‌های دیگر فریب داده می‌شوند. چندین سازمان بین‌المللی گزارش داده‌اند قاچاق انسان در یوگسلاوی سابق اینک در پاسخ به تقاضای روزافزون برای روسپیگری از جانب کارگران خارجی دارای وضعیت مالی مساعد و نیز سپاهیان حافظ صلح سازمان ملل افزایش یافته است.

قاچاقچیان به ندرت دستگیر می‌شوند و حتی موارد کمتری تحت تعقیب قانونی قرار می‌گیرند.

مجازات قاچاق انسان در مقایسه با قاچاق مواد مخدر یا اسلحه نسبتاً سبک‌تر است. یکی از دلایل این امر این است که خود قربانیان توسط مقامات دولت میزبان به صورت مجرم نگریسته می‌شوند و اغلب دستگیر می‌شوند، تحت تعقیب قرار می‌گیرند و اخراج می‌گردند. این واقعیت همراه با ترس از انتقام توسط قاچاقچیان بدین معنی است که این قربانیان انگیزه اندکی برای همکاری با مجریان قانون در کشورهای مقصد دارند. همچنین فقدان آگاهی در زمینه حقوق قانونی، موانع فرهنگی و زبانی و نبود ساز و کارهای حیاتی همه و همه به انزوای بیشتر زنان قربانی و جلوگیری از تلاش آنان برای احقاق حق کمک می‌کند.

باید گفت که گرچه پیوند میان قاچاق انسان‌ها و تعصب نژادی بسیار روشن نیست، اما غیرقابل انکار است. همان‌گونه که مری رابینسون اظهار می‌دارد: «قاچاق انسان ذاتاً ماهیتی

قاچاقچیان انسان با استفاده از شیوه‌های گوناگون از جمله ربودن آنها و یا خرید آنها از اعضای خانواده عمل می‌کنند. با این حال، در اکثر موارد، قربانی بالقوه این پدیده خود مایل به آزمودن بخت خود در مهاجرت است. معمولاً پیشنهاد برای مهاجرت از سوی یکی از آشنایان ارائه می‌شود و یا او خود جذب تبلیغاتی می‌شود که به این منظور صورت می‌گیرند. برخی از قربانیان با این تصور فریب می‌خورند که برای اشتغال در مشاغل مشروع و یا ازدواج در خارج برگزیده شده‌اند. برخی دیگر از این امر آگاهی دارند که برای روسپیگری به خارج برده می‌شوند و حتی می‌دانند که باید برای پرداخت هزینه‌های سنگین انتقال به خارج از کشور کار کنند. اما در مورد شرایط کار فریب می‌خورند. شبکه و وابستگی بسیار پیچیده است. قاچاقچیان معمولاً از طریق ضبط گذرنامه و یا اوراق رسمی قربانی سعی

تبعیض آمیز دارد. در مورد قاچاق انسان برای روسپیگری، صحبت از مردانی است که تعلق به کشورهای نسبتاً ثروتمندی دارند که برای خدمات جنسی زنان و دختران - و گاه مردان و پسران - متعلق به کشورهای کمتر ثروتمند پول پرداخت می‌کنند. این چیزی فراتر از مسئله حقوق کار و یا توسعه نابرابر است. این موضوعی است که با حقوق اساسی بشر سر و کار دارد، چرا که دربرگیرنده شکلی گسترده و خطرناک از تبعیض است.»

به دلیل این که اکثریت بزرگی از قربانیان این پدیده را زنان تشکیل می‌دهند، قاچاق انسان معمولاً موضوعی جنسیتی تلقی می‌شود و در نتیجه از مصادیق تبعیض به لحاظ جنسیت می‌باشد. این پدیده به ندرت از دیدگاه تبعیض جنسی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در این مورد که آیا نژاد و یا سایر اشکال تبعیض احتمال این که زنان و دختران قربانی قاچاق انسان شوند را تقویت می‌کند یا خیر، بحث اندکی صورت گرفته است. با این همه، هنگامی که توجهات به این امر معطوف می‌شود که کدام زنان بیشتر در معرض خطر قاچاق قرار دارند، پیوند میان این خطر و به حاشیه رانده شدن به لحاظ نژادی و اجتماعی روشن می‌گردد. افزون بر این، نژاد و تبعیض نژادی نه تنها ممکن است خطر به دام افتادن در دستان قاچاقچیان را افزایش دهد، بلکه همچنین عامل تعیین کننده‌ای برای نحوه رفتاری است که زنان در کشورهای مقصد

تجربه می‌کنند. به علاوه، ایدئولوژی نژادپرستی و تبعیض نژادی، قومی و جنسیتی ممکن است در کشورهای هدف موجب ایجاد تقاضا شود که این امر نیز خود می‌تواند به قاچاق زنان و دختران کمک کند.

باید گفت که هیچ راه حل ساده‌ای برای بلیه قاچاق انسان وجود ندارد، اما ابعاد وسیع آن مستلزم اقدام سریع است. آن گونه که مری رابینسون اظهار داشته است: «مبارزه با این پدیده مستلزم اتخاذ رهیافت‌های کلی نگرانه، بین رشته‌ای و بلندمدتی است که به کلیه جنبه‌های چرخه قاچاق انسان بپردازد و به طور صریح ارتباط بین قاچاق انسان، مهاجرت، نژادپرستی و تبعیض نژادی را به رسمیت بشناسد.»

ج- نژادپرستی علیه جمعیت بومی

پدیده استعمار در «دنایای جدید» و «دنایای قدیم» شاهد تجلیات افراط‌گرایانه نژادپرستی - از جمله قتل عام، جابه‌جایی اجباری جمعیت بومی، فراهم آوردن موجبات مرگ بومیان بر اثر قحطی و بیماری - بوده است. امروزه، این اعمال پاکسازی نژادی و نسل‌کشی خوانده می‌شود. سازمان ملل متحد برای نخستین بار توجه خود را به طور رسمی در چارچوب فعالیت‌هایش برای مبارزه با نژادپرستی و تبعیض نژادی به مسئله جمعیت‌های بومی نشان داد. در سال ۱۹۷۰ کمیسیون فرعی پیشگیری از تبعیض و حمایت از اقلیت‌ها (یکی از ارگان‌های فرعی کمیسیون

حقوق بشر) به مارتینز کوبو (Martinez Cobo) گزارشگر ویژه خود مأموریت داد تا مطالعه‌ای درباره «مسئله تبعیض علیه جمعیت‌های بومی» انجام دهد. این مطالعه به یادماندنی که تنها در سال ۱۹۸۴ تکمیل شد، به دقت موارد تبعیض علیه جمعیت‌های بومی و وضعیت ناپایدار آنها را ضبط کرده بود. در این گزارش انواع قوانین جاری برای حمایت از جمعیت بومی فهرست شده بود: برخی از این قوانین ماهیتی تبعیض آمیز داشتند و برخی دیگر به طور دائم توسط جامعه غالب نادیده گرفته می‌شدند. این گزارش چنین نتیجه‌گیری می‌کرد که تبعیض مستمر علیه جمعیت‌های بومی موجودیت آنها را تهدید می‌کند.

گزارش مزبور به این نتیجه دست یافت که

د- دولت‌های چند قومی و حمایت از حقوق

اقلیت‌ها

در جهان امروز، دولت‌های چند قومی به قاعده تبدیل شده‌اند. دولت-ملت سنتی که در آن یک گروه ملی مشخص و متمایز در یک واحد سرزمینی سکونت دارند به گونه‌ای تبدیل شده است که در معرض انقراض قرار دارد. جهانی شدن و افزایش جابجایی افراد و اقوام در طول مرزها تهدیدی جدی برای مفهوم دولت-ملت پدید آورده است. با این حال، برخی اسطوره‌ها در برابر واقعیت مقاومت به خرج می‌دهند و فرهنگ‌های اکثریت یا غالب در کشورها همچنان در پی تحمیل هویت خود بر سایر گروه‌های ساکن در یک سرزمین هستند.

برخی دولت‌ها موجودیت جمعیت‌های بومی در داخل مرزهای خود را انکار می‌کنند. دولت‌های دیگر وجود هرگونه تبعیض را علی‌رغم واقعیات موجود انکار می‌کردند. در این گزارش مواردی توصیف شده بود که در آنها مقامات دولتی، هنگام ارائه گزارش درباره وضعیت جمعیت‌های بومی، به گونه‌ای اظهار نظر کرده بودند که از خلال صحبت‌هایشان تفکر مبتنی بر تبعیض روشن و آشکار می‌شد. برای مثال، یک مقام دولتی در قاره آمریکا در پاسخ به درخواست آقای کوبو برای ارائه اطلاعات پیرامون «تدابیر حمایتی» چنین اظهار داشت: «در قوانین مدنی ما، سرخپوستان حتی در زمره اشخاص بالغ و رشید قرار نگرفته‌اند.» دیگری



تلاش برای تحمیل تک فرهنگی در محیط‌های چند قومی اغلب به زیان حقوق اقلیت‌ها تمام می‌شود. اقلیت‌ها به منظور اجتناب از به حاشیه رانده شدن اغلب تلاش‌های خود را برای حفظ و حمایت از هویتشان تشدید می‌کنند. برخورد دو نیروی مخالف - یکسان‌سازی از یکسو و حفظ هویت اقلیت‌ها از سوی دیگر - می‌تواند باعث افزایش عدم تساهل و در بدترین حالت، منازعه قومی مسلحانه شود. در چنین مواردی و به منظور جلوگیری از گسترش دامنه تنش‌ها، حمایت از حقوق اقلیت‌ها و پیشبرد آن از ضروریات است.

گرچه وقایع قرن بیستم به ما چنین آموخته است که اصطلاح «منازعات قومی» را به صورت یکجا تعبیر و تفسیر کنیم، اما این دو مفهوم الزاماً در کنار یکدیگر قرار نمی‌گیرند. این بدان معنی است که منازعات قومی در دولت‌های چند قومی اجتناب‌ناپذیر نیست.

حُسن مدیریت نقشی حیاتی در وارد ساختن اقلیت‌ها در جوامع و حمایت از حقوق و منافع آنها ایفا می‌کند. کلیه شهروندان یک جامعه متکثر از طریق شناسایی حقوق یکدیگر، گفتگو و مشارکت می‌توانند نسبت به مسائل یکدیگر به تفاهم بیشتری دست یابند. رسانه‌ها و آموزش و پرورش و نیز نمایندگان سیاسی و رهبران جوامع در این رابطه نقش مهمی دارند.

مقامات دولت‌ها باید به تضمین این امر بپردازند که اقلیت‌ها از حق بنیادی برابری چه

در عرصه قوانین مدون و چه در جامعه به طور کلی برخوردارند. نقش دولت‌های محلی، سازمان‌های مدنی و سازمان‌های غیردولتی در این رابطه از اهمیت برخوردار است.

مجمع عمومی سازمان ملل نیز در سال ۱۹۹۲ اعلامیه مربوط به حقوق اشخاصی را که تعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، مذهبی و زبانی دارند، مورد تصویب قرار داد. این اعلامیه به عنوان تنها ابزار سازمان ملل که اختصاصاً به حقوق ویژه اقلیت‌ها می‌پردازد، چارچوب ارجاعی برای جامعه بین‌المللی محسوب می‌شود. این اعلامیه شامل فهرستی از حقوق است که اقلیت‌ها شایستگی برخورداری از آنها را دارند، از جمله حق برخورداری از فرهنگ خودی بدون هیچ مانعی و حق مشارکت مؤثر در تصمیم‌گیری‌ها در سطح ملی. از دولت‌ها خواسته می‌شود که تدابیری در حوزه آموزش و پرورش به منظور تشویق اطلاع از تاریخ، سنت‌ها، زبان و فرهنگ اقلیت‌های موجود در داخل سرزمین‌هایشان اتخاذ کنند.

کمیسیون حقوق بشر، کمیسیون فرعی جلوگیری از تبعیض و حمایت از اقلیت‌ها، کمیته مربوط به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و کمیته محو تبعیض نژادی در چارچوب سازمان ملل مسئولیت نظارت چندجانبه بر تعهدات بین‌المللی کشورها را در این رابطه به عهده دارند. همچنین یک گروه کاری به منظور تحقق مفاد اعلامیه فوق تشکیل شده است.

گروه‌های خاصی از زنان باشند و یا این که اثراتی سوء بر برخی از زنان بگذارند.

بدون در نظر گرفتن نژاد، آمار مربوط به وضعیت زنان جهان نشان می‌دهد که زنان راهی طولانی برای نیل به برابری با مردان در پیش دارند. بنابر گزارشی که اخیراً توسط صندوق توسعه زنان سازمان ملل (UNIFEM) منتشر شده است، زنان در بسیاری از شاخص‌هایی که پیشرفت به سوی برابری جنسی و توانمندی زنان را اندازه‌گیری می‌کنند، عقب افتاده‌اند.

نرخ باسوادی زنان در سرتاسر جهان ۷۷۴ درصد در مقایسه با ۸۳۷ درصدی است که برای مردان ذکر شده است. از میان ۹۶۰ میلیون افراد بزرگسال بی‌سواد، دو سوم آنان زن هستند. شکاف در میان جنسیت‌ها در کسب درآمد همچنان تداوم دارد. زنانی که در بخش صنعت و خدمات اشتغال دارند معمولاً درآمدی معادل ۷۸ درصد درآمد مردان شاغل در این بخش‌ها دارند. سهم زنان در مناصب مهم و کلیدی در دهه ۱۹۹۰ تنها در ۲۸ کشور به رقم ۳۰ درصد رسید. افزون بر این از میان ۷۳ میلیارد نفری که در فقر زندگی می‌کنند، ۷۰ درصد را زنان تشکیل می‌دهند.

هنگامی که مسئله نژادی نیز در مورد زنان مطرح می‌شود، بار مضاعف تبعیض جنسی و نژادی و عدم تساهل آشکار می‌شود. حوزه‌هایی که به ویژه در این رابطه مورد توجه قرار دارند، عبارت‌اند از مشکلاتی که زنان اقلیت‌ها در بازار

همایش جهانی ضد نژادپرستی فرصتی برای بحث پیرامون حمایت از حقوق اقلیت‌ها فراهم می‌آورد. هدف اصلی این مباحثات پیشگیری از منازعات در دولت‌های چندقومی است. همان‌گونه که دبیرکل سازمان ملل بارها تکرار کرده است: «فرهنگ پیشگیری، به لحاظ انسانی و مالی سودمندتر از فرهنگ واکنش است.»

۵- جنسیت و تبعیض نژادی

بی‌عدالتی‌هایی که قربانیان تبعیض نژادی و عدم تساهل متحمل می‌شوند، شناخته شده هستند: فرصت‌های شغلی محدود، تفکیک نژادی، و فقر مزمن تنها چند مورد از این بی‌عدالتی‌ها را تشکیل می‌دهند. مشکلاتی که زنان در جوامع مختلف جهان با آنها روبرو هستند نیز برای همه آشناست: دستمزد کمتر برای کارمساوی، نرخ بالای بیسوادی و دسترسی اندک به مراقبت‌های بهداشتی.

درحالی که نژاد یک دلیل برای نابرابری و جنسیت‌دلیلی دیگر برای آن است، اینها اشکالی مانع‌الجمع برای تبعیض نیستند. درواقع، این دو اغلب با یکدیگر همپوشی داشته و منجر به تبعیض مضاعف می‌شوند.

برای بسیاری از زنان عوامل مربوط به هویت اجتماعی آنها نظیر نژاد، رنگ پوست، قومیت و ملیت به تفاوت‌هایی می‌انجامد که به وجود آورنده تمایزاتی هستند. این عوامل می‌توانند مشکلاتی ایجاد کنند که مختص به

کار با آنها مواجه هستند، قاچاق و خرید و فروش زنان و خشونت علیه زنان به خاطر نژاد آنها. زنان اقلیت، مهاجر و بومی در بسیاری از جوامع دارای فرصت‌های اشتغال محدودی هستند. موریس گلگل-آهانزانو (Maurice Glegle-Ahanhanzo)، گزارشگر ویژه موضوع اشکال معاصر نژادپرستی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل وضعیت زنان اقلیت در بازار کار را هنگام دیدار از برزیل در سال ۱۹۹۵ مطالعه کرد. او به این نتیجه رسید که «زنان سیاهپوست پایین‌ترین دستمزدها را دریافت می‌کنند، در غیربهداشتی‌ترین مکان‌ها به کار گرفته می‌شوند، ساعات کار آنان سه برابر است و با تبعیضات فاحش مواجه‌اند.»

دوربان از نگاه دیگر

جنبه جدی دیگر تبعیض یعنی قاچاق زنان در گزارشی مورد مطالعه قرار گرفت که رادیکا کوماراسوامی (Radhika Coomaraswamy)، گزارشگر ویژه خشونت علیه زنان به تهیه آن پرداخته است. وی در گزارش خود چنین بیان می‌کند که «استثمار مهاجران توسط قاچاقچیان، «زنان را در موقعیت‌هایی قرار می‌دهد که تحت حمایت قانون قرار نمی‌گیرند. اشکال آشکار خشونت از جمله تجاوز جنسی، شکنجه، اعدام‌های خودسرانه، محروم ساختن از آزادی، کار اجباری و ازدواج اجباری علیه زنانی اعمال می‌شود که در پی مهاجرت هستند.»

کوفی انان، دبیرکل سازمان ملل متحد، در سخنرانی افتتاحیه خود هشدار داد که ناکامی در نیل به توافق در مورد فرمولی برای مبارزه با سیاست‌های ضد مهاجرت، فقدان فرصت‌های

برابر برای زنان و پدیده قاچاق زنان قائل است. در گزارش وی آمده است که «سیاست‌های مبتنی بر ایجاد انواع محدودیت‌ها برای مهاجرت عامل مهمی در تداوم و شیوع قاچاق زنان به شمار می‌رود.»

خشونت علیه زنان به خاطر نژاد و یا قومیت در زمره بارزترین نمونه‌های تبعیض مضاعف محسوب می‌شود. وقوع تجاوزات جنسی در بوسنی، کوزوو، بوروندی و رواندا به روشنی نمایانگر این مسئله است. علاوه بر این، منازعات قومی باعث پناهندگی شمار زیادی از زنان می‌شود و زنان پناهنده اهدافی بسیار محتمل برای قرار گرفتن در معرض تجاوزات جنسی هستند.

نژادپرستی سبب آرامش خاطر خطرناک‌ترین عناصر در جامعه بشری خواهد شد. اما توفیق در این زمینه مایه امیدواری افراد شجاعی خواهد شد که در سرتاسر جهان علیه نژادپرستی مبارزه می‌کنند. وی در ادامه سخنانش چنین اظهار داشت که بدرفتاری با فلسطینیان نباید نادیده گرفته شود - اما کلیه جوامع باید با عدم تساهل مقابله کنند. کوفی انان چنین ابراز نظر کرد که هیچ مکانی برای برگزاری این همایش از آفریقای جنوبی مناسب‌تر نیست، یعنی کشوری که نام آن در گذشته مترادف با بدترین نوع نژادپرستی بود، اینک نور امید در دل همگان می‌افشاند.

صرف‌نظر از مسئله فلسطین، تقاضای غرامت برای برده‌داری و نظام کاست در هندان موضوعات جنجال‌آفرین در این همایش بودند. تابوامبکی، رئیس جمهور آفریقای جنوبی در سخنان خود اظهار داشت که سیاهپوستان در سراسر جهان امیدزیدی به این همایش برای مقابله با پیامدهای برده‌داری، استعمار و نژادپرستی بسته‌اند.

همزمان بابرگزاری مراسم افتتاحیه همایش هزاران نفر تظاهرکننده که اکثراً از آفریقای جنوبی بودند درخواست توزیع مجدد اراضی را داشتند، اما همچنین شامل هواداران فلسطینی‌ها، کارگران مهاجر و نجس‌های هندی نیز می‌شدند که در فاصله سه کیلومتری محل برگزاری همایش تجمع کردند.

ایالات متحده، کانادا و اسرائیل در واکنش

به زبان تعرض آمیزی که نسبت به اسرائیل در پیش‌نویس اعلامیه به کار برده شده بود، با وجود حذف عبارتی که صهیونیسم را با نژادپرستی معادل می‌دانست، سطح هیئت نمایندگی خود را پایین آوردند. با این حال در ادامه همایش هنگامی که نمایندگان کشورهای عرب سعی کردند به نحوی در اعلامیه نهایی همایش اعمال نژادپرستانه صهیونیست‌ها در برخورد با فلسطینیان و نیز توصیف جنبش صهیونیستی به عنوان جنبشی برای ایجاد و حفظ یک دولت یهود بر مبنای برتری نژادی را بگنجانند، نمایندگان شرکت‌کننده از سوی ایالات متحده و اسرائیل همایش را ترک کردند.

کشورهای عضو اتحادیه اروپا در ادامه همایش تلاش‌هایی را برای تغییر لحن اعلامیه نهایی در ارتباط با مسئله اسرائیل و فلسطین صورت دادند و موفق شدند تا لحن اعلامیه پایانی را ملایم‌تر سازند.

دیگر موضوع جنجال برانگیز درخواست غرامت از طرف کشورهای بود که از برده‌داری رنج برده بودند. فیدل کاسترو، رئیس جمهور کوبا، به شدت از پرداخت غرامت حمایت کرد و آن را با غرامت‌هایی که اکنون به بازماندگان یهودیان قربانی در جنگ دوم جهانی پرداخت می‌شود، مقایسه کرد.

در میان رهبران کشورهای آفریقای در مورد عذرخواهی غرب به خاطر برده‌داری و استعمار اتفاق نظر وجود داشت، اما در مورد مسئله

پرداخت غرامت اختلافاتی میان آنان بروز کرد. رؤسای جمهور نیجریه و سنگال گفتند که اگر اخلاف کسانی که از راه برده‌داری منتفع شده‌اند از جانب نیاکان خود عذرخواهی کنند، نیازی به پرداخت غرامت نیست. رئیس جمهور نیجریه در سخنان خود ابراز ندامت صادقانه را بخش مهمی از روند التیام بخشی دانست.

ایالات متحده طرح مسئله ارتباط «صهیونیسم» با «نژادپرستی» و نیز «پرداخت غرامات» را به منزله «سیاسی کردن» همایش دانست و مدعی شد که کشورهای جهان سوم قصد دارند این همایش را به تصرف خود درآورند. سرانجام همایش ضدنژادپرستی سازمان ملل با توافق برسریک برنامه جهانی برای بارزه با تبعیض به کار خود خاتمه داد. همایش دوربان دو سند را به تصویب رساند: اعلامیه اصول و برنامه اقدام برای بیکار با تبعیض. این همایش پیشنهاد سوریه مبنی بر متهم ساختن تلویحی اسرائیل به نژادپرستی را مورد تصویب قرار نداد. کشورهای اروپایی موافقت کردند تا به خاطر برده‌داری عذرخواهی کنند و آن را به عنوان «جنایت علیه بشریت» به رسمیت بشناسند. اروپائیان و نیز آمریکایی‌ها تمایل داشتند اطمینان حاصل کنند که عبارت بندی اعلامیه نهایی آنها را ملزم به پرداخت غرامت نکند. در واقع، اعلامیه نهایی به گونه‌ای تدوین شد که هیچ گونه پیامد حقوقی برای آمریکا و کشورهای اروپایی نداشته باشد. همچنین در مورد کمک اقتصادی به

کشورهای آفریقایی توافق صورت گرفت.

نقش سازمان‌های غیردولتی

از ویژگی‌های همایش ضدنژادپرستی نقش فعال سازمان‌های غیردولتی بود. چنان که گفته شد سازمان‌های غیردولتی از ۲۸ اوت تا اول سپتامبر در کنار همایش ضدنژادپرستی اقدام به برگزاری یک گردهمایی کردند. در گردهمایی مزبور ۷۰۰۰ شرکت کننده از کشورهای مختلف جهان حضور داشتند. کثرت شرکت کنندگان و وجود اختلاف منافع و علائق این گردهمایی را نیز با اغتشاش و مجادله بی پایان برسر جمله بندی اعلامیه نهایی و برنامه اقدام روبرو کرد.

برای مثال، تسرینگ جامپا (Tsering Jampa) از سازمان مبارزه بین‌المللی برای تبت (International Campaign for Tibet) گفت که سازمانش از این که علی‌رغم انجام توصیه‌های فراوان از جانب کمیسیون‌های گردهمایی هیچ ذکری از تبت در اعلامیه نهایی به عمل نیامده است، تکان خورده است. او چندین سازمان غیردولتی چینی را متهم به طرفداری از دولت چین کرد و چنین ابراز داشت که این سازمان‌ها تلاش کردند تا موارد اشاره به تبت را در اعلامیه نهایی حذف کنند.

در همین راستا هیئتی متشکل از ۲۰ سازمان غیردولتی از کشورهای اروپای شرقی و مرکزی این گونه اظهار نظر کردند که پرداختن به مسائل مربوط به منطقه آنها به فراموشی سپرده

شده است. یکی از اعضای این هیئت گفت: «یک چنین گردهمایی جهانی باید دیدگاهی جهانی نیز داشته باشد.»

یوری جیبلاذزه (Yuri Dzhibladze) از مرکز توسعه دموکراسی و حقوق بشر (Center for Development of Democracy and Human Rights) گفت: «نژادپرستی تحت حمایت دولت‌ها در چندین کشور منطقه به پاکسازی نژادی منجر شده است. او همچنین اظهار داشت که دولت‌ها انکار می‌کنند که مسئله اصلی نژادپرستی است. از سوی دیگر جامپا چنین اظهار عقیده کرد که

«در جریان برگزاری گردهمایی سازمان‌های غیردولتی، اکثر هیئت‌های نمایندگی بر منافع محلی و ناحیه‌ای خود تأکید داشتند و تعداد اندکی از این سازمان‌ها با دیگران همبستگی نشان دادند. همه بر روی موضوعات و مسائل مورد علاقه خود کار می‌کردند و هرکس دستورکار خود را دنبال می‌کرد.»

مسئله فلسطین و منازعه خاورمیانه نیز در این گردهمایی از موضوعات مورد اختلاف بود. در اعلامیه پیش‌نویس تناقضی در این رابطه مشهود بود. در بخشی از اعلامیه مربوط به یهودی ستیزی (anti-semitism) آمده است: «ما نگران شیوع گرایش‌های ضد صهیونیستی و تلاش‌هایی هستیم که به منظور مشروعیت‌زدایی از دولت اسرائیل از طریق اتهامات کاملاً دروغین از قبیل نسل‌کشی، جنایات جنگی، جنایت علیه بشریت، پاکسازی نژادی و آپارتاید صورت می‌گیرد.»

با این حال، در بخش مربوط به فلسطین چنین آمده بود که «این گردهمایی اسرائیل را دولتی نژادپرست و طرفدار آپارتاید می‌داند و ویژگی‌های آپارتاید از نوع اسرائیلی را جداسازی و تفکیک، سلب مالکیت، محدود ساختن دسترسی به زمین، پایمال کردن حقوق ملی، «باتنوستانیزه کردن» و انجام اعمال غیرانسانی اعلام می‌دارد.»

البته نهایتاً بخش مربوط به یهودی ستیزی به دلیل عدم کسب آرای لازم از سندنهایی خارج شد.

نکته جالب این بود که برخی از سازمان‌های غیردولتی شرکت‌کننده نسبت به عملکرد دولت‌های متبوع خود در زمینه‌های مورد بحث در همایش دوربان انتقاداتی جدی داشتند. از جمله هیئتی که از طرف سازمان غیردولتی کاولوود (Kav Le Oved) از اسرائیل به دوربان آمده بود، نسبت به رفتار دولت اسرائیل با کارگران خارجی اعتراضات جدی داشت. این سازمان که یک سازمان غیرانتفاعی طرفدار حقوق کارگران خارجی است به ارائه اسناد و مدارکی پرداخت که نشان‌دهنده نقض آشکار کنوانسیون بین‌المللی کارگران خارجی بود که اسرائیل یکی از امضاکنندگان آن است. هانا زهر (Hannah Zohar) مدیر این سازمان گفت: «رفتار اسرائیل با کارگران خارجی تحقیرآمیز است. این کارگران فقط بدین خاطر که شهروند اسرائیل نیستند مورد استثمار قرار می‌گیرند و

حقوق اساسی آنان نادیده گرفته می شود.»

در این میان، فعالیت سازمان های غیردولتی آمریکایی جالب توجه بود. اکثر این سازمان ها تلاش های خود را مصروف به حملات مستمر و نظام مند به اصول و ارزش های حاکم بر آمریکا و نهادهای آمریکایی ساختند. از جمله تعدادی از سازمان های غیردولتی آمریکایی طی اقدامی مشترک از سازمان ملل متحد خواستند تا ایالات متحده را مسئول تداوم و استمرار تبعیض نژادی اعلام کند.

حدود ۵۰ امضاکننده از جمله جولیان باند (Julian Bond) و جسی جکسون (Jesse Jackson) از مری رایبسون، کمیسر حقوق بشر سازمان ملل خواستند که در همایش بین المللی دوربان بر «نژادپرستی» آمریکایی تأکید شود و اعزام «گزارشگران ویژه» و یا بازرسان سازمان ملل به ایالات متحده برای نظارت بر موارد نقض حقوق بشر در ایالات متحده مدنظر قرار گیرد. ویدهندرسون (Wade Henderson) مدیر اجرایی کنفرانس رهبری حقوق مدنی (Leadership Conference on Civil Rights) اعلام کرد: «ما در کمال نومییدی رو به سوی سازمان ملل متحد می آوریم تا به ما در مسئول شناختن ایالات متحده برای مسائل لاینحل و مستمر تبعیض کمک کند.»

طی یک سال و نیم گذشته سازمان های غیردولتی آمریکا -از جمله عفو بین الملل آمریکا، کمیته خدمات دوستان آمریکا

(American Friends Service Committe)، شورای ملی کلیساها و کمیته وکلای حقوق مدنی مندرج در قوانین جاری- با حمایت مالی بنیاد فورد مواضع زیر را در مورد مسائل مطروحه در جلسات مقدماتی اتخاذ کردند:

- در مورد غرامات، این سازمان ها از گنجاندن «اقدامات جبرانی» در دستور کار همایش جهانی ضد نژادپرستی حمایت کردند. سازمان دیده بان حقوق بشر (Human Rights Watch) در گزارش جداگانه ای توصیه کرد که پرداخت غرامات باید مبتنی بر «حقوق اقتصادی» باشد و در زمره عوامل مکمل اقدامات جبرانی شناخته شود.

- در مورد نژادپرستی میان سازمان های غیردولتی آمریکایی شرکت کننده اتفاق نظر وجود داشت که تفاوت های آماری میان نژادها نتیجه نژادپرستی و تبعیض نژادی در ایالات متحده است. سازمان های غیردولتی معتقد بودند که نژادپرستی در کلیه نهادها و در کلیه سطوح رخنه کرده است. از نظر آنها، سیاست هایی نظیر اصلاحات رفاهی دارای انگیزه های نژادپرستانه است و ایده «کوری در برابر رنگ پوست» افسانه ای است که مستقیماً به تداوم و استمرار نژادپرستی کمک می کند.

- در زمینه حقوق اقتصادی، این سازمان ها بر عدم به رسمیت شناختن این امر توسط دولت آمریکا مبنی بر این که استاندارد مناسب زندگی یک حق است و نه یک امتیاز انتقادات شدیدی وارد کردند. در نتیجه، آمریکا در حمایت از «حقوق اقتصادی» مندرج در اعلامیه جهانی

حقوق بشر ناکام مانده است. جهان است». از سوی دیگر، سازمان‌های غیردولتی اصرار ورزیده‌اند که دولت آمریکا باید کلیه میثاق‌های بین‌المللی حقوق بشر را به تصویب برساند و قید و شرط‌های وضع شده در مورد کنوانسیون سازمان ملل درباره محو تبعیض نژادی را که در سال ۱۹۹۴ به تصویب ایالات متحده رسیده است، الغا نماید، وزارت امور خارجه آمریکا چنین بیان داشته است که آمریکا هیچیک از شروط این پیمان را که با قانون اساسی آمریکا در تعارض باشد، نخواهد پذیرفت. یادداشت وزارت امور خارجه به ویژه خاطر نشان می‌سازد که محدودیت‌هایی که کنوانسیون فوق در مورد آزادی بیان و گردهمایی وضع کرده است با متمم اول قانون اساسی آمریکا در تعارض می‌باشد.

در خصوص جهانی شدن، این سازمان‌ها قویاً جهانی شدن را به عنوان حمله به دموکراسی، موتور نژادپرستی و نظامی که فقر جهانی را تعمیق می‌بخشد و فقر زنان را تسریع می‌کند، محکوم کردند نظام سرمایه داری بازار آزاد مکرراً به عنوان نظامی که دارای معایب بنیادی است مورد انتقاد قرار گرفته است و سازمان‌های مزبور این اعتقاد خود را بیان داشتند که سازماندهی نظامی عادلانه‌تر، منصفانه‌تر و به لحاظ اجتماعی پاسخگوتر امکان‌پذیر است.

همچنین در تاریخ ۲۰ ژوئیه در واشینگتن دی سی در جریان اجلاس تدوین استراتژی سازمان‌های غیردولتی، گی مک دوگال (Gay Mc Dougall)، یکی از سازمان‌دهندگان گروه حقوق بشر بین‌المللی (International Human Rights Law Group) که یکی از سازمان‌های عمده غیردولتی است، ابراز داشت که «سیاست خارجی دولت ما مسئول سرکوب نژادی در سرتاسر

در واکنش نسبت به این مواضع، اری فلیشر (Ari Fleischer) سخنگوی کاخ سفید در ۳۱ ژوئیه چنین اظهار نظر کرد که اگر رسالت مهم این همایش انحراف پیدا کند، آمریکا از شرکت در همایش دوربان خودداری خواهد کرد. اما به نظر می‌رسد که بازیگران عمده این همایش یعنی سازمان‌های غیردولتی و متحدین ایدئولوژیک آنها در سلسله مراتب سازمان ملل و نیز برخی کشورهای جهان سوم با هدف سرزنش ایالات متحده و آغاز فرآیند طولانی تبدیل دموکراسی ما به نظام‌هایی شبیه به نظام‌های خودشان است. به نظر می‌رسد این مسئله که آیا این امر خواسته مردم آمریکا نیز هست یا خیر، در میان



اولویت‌های سازمان‌های غیردولتی قرار نداشته باشد.

همان‌گونه که قبلاً گفته شد ایالات متحده به همراه اسرائیل با مطرح شدن پیشنهاد‌های مربوط به مترادف دانستن صهیونیسم با نژادپرستی از همایش خارج شد.

موضوع برده‌داری مورد توجه سازمان‌های غیردولتی آفریقایی بود. ائتلافی از ۴۰ سازمان غیردولتی آفریقایی خواستار شناخته شدن برده‌داری به عنوان جنایت علیه بشریت و پرداخت غرامت در آستانه برگزاری همایش ضد نژادپرستی در دوربان شدند.

آلیون تین (Alioune Tine) هماهنگ‌کننده سازمان‌های غیردولتی شرکت‌کننده در همایش ضد نژادپرستی سازمان ملل گفت: «مانمی توانیم جامعه‌ای بین‌المللی را در تصور آوریم که مبتنی بر عدالت، برابری و جهان‌شمولی حقوق بشر باشد، بی آن‌که دولت‌هایی که درگیر در تجارت برده بوده‌اند به شکلی صریح طلب پوزش ننمایند.»

سازمان‌های غیردولتی آفریقایی در بیانیه مشترکی که پیش از برگزاری همایش دوربان صادر کردند، چنین اعلام کردند که «به بردگی‌کشاندن سیاهپوستان و استعمارگری نقشی عمده در تشدید تبعیض علیه آفریقاییان ایفا کرده‌اند.»

در میان سازمان‌ها و شخصیت‌های آفریقایی و نیز دیگر صاحب‌نظران درباره مسئله پرداخت

غرامت اختلاف نظر وجود داشت، از جمله رئیس‌جمهور سنگال که اظهار داشت پرداخت غرامات مالی برای برده‌داری و استعمارگری بی‌معنی بوده و توهینی به مردم آفریقا محسوب می‌شود.

پیرسانه (Pierre Sane) دبیرکل پیشین سازمان عفو بین‌الملل که یک سنگالی است چنین استدلال کرد که باید در درجه اول و پیش از مطرح ساختن ملاحظات مالی، برده‌داری و استعمارگری به لحاظ تاریخی جنایت تلقی شوند. باید این بخش از تاریخ آفریقا در کتاب‌ها درج شود و در سرتاسر جهان تدریس شود. سانه همچنین گفت به همان صورت که انتظار می‌رود نسل‌های آتی برای قروضی که دولت‌های قبلی به بار آورده‌اند، احترام قائل شوند، دولت‌هایی نیز که درگیر در برده‌داری و استعمارگری بوده‌اند باید در برابر اعمالی که اسلافشان انجام داده‌اند، پاسخگو باشند.

سازمان‌های غیردولتی آفریقایی تمام تلاش خود را مصروف به شناسایی تجارت برده از این سو به آن سوی اقیانوس اطلس و استعمارگری به عنوان جنایت علیه بشریت کردند. جنایت علیه بشریت در حقوق بین‌الملل به عنوان اقدامی خشونت‌آمیز و ستمگرانه علیه کل یک جمعیت یا بخشی از یک جمعیت به دلایل واهی و بدون توجه به تقصیر و یا مسئولیت شخصی تعریف شده است.

سازمان‌های آفریقایی چنین استدلال کرده‌اند

که منزلت ارتباط نزدیکی با عدالت دارد و این که تأثیر برده داری در میان اخلاف قربانیان از ابعادی وسیع برخوردار بوده است.

فرجام

فعالان سازمان‌های غیردولتی آفریقایی همچونین از آنچه که آن را برپاداشتن «دیوار بزرگ چین» می‌خوانند، گلایه دارند چرا که در حالی که حرکت آزاد سرمایه و کالا در سرتاسر اروپا به رسمیت شناخته شده است، دولت‌ها به گونه‌ای فزاینده نسبت به صدور ویزا برای متقاضیان متعلق به کشورهای فقیر از خود اکره نشان می‌دهند.

در ارتباط با پرداخت غرامات کلودویو کوردونه (Claudio Cordone) سخنگوی سازمان عفو بین‌الملل چنین اظهار داشت که «کلیه قربانیان حق جبران مظالم و ستم‌ها را دارند و این حق شامل غرامات مالی نیز می‌شود و کسانی که مسئول این مظالم و ستم‌ها هستند باید به پای میز عدالت کشیده شوند». اما همچنین پذیرفت که مشخص کردن کسانی که بی‌عدالتی تاریخی برده داری هستند و یا شناسایی قربانیان امروزی کاری دشوار است چرا که دیگر هیچ برده و هیچ برده داری باقی نمانده است.

اعلامیه نهایی و برنامه اقدام مصوب گردهمایی سازمان‌های غیردولتی به مری رابینسون کمیسر حقوق بشر سازمان ملل و دبیر همایش ضدنژادپرستی تسلیم شد تا مفاد آن در این همایش که در آن هیئت‌های نمایندگی دولت‌ها و برخی از سازمان‌های غیردولتی منتخب

شرکت داشتند، مطرح شود.

همایش جهانی ضدنژادپرستی، تبعیض نژادی، بیگانه‌ستیزی و عدم تساهل گرچه به دلیل وجود اختلاف نظرهای فراوان و تلاش کشورهای شمال برای تحمیل نظرات خود بر دیگران و وجود تفرقه در میان کشورهای جنوب نتوانست به اهداف خود به طور کامل دست یابد و تدوین اعلامیه نهایی همراه با مصالحه و سازش و عقب‌نشینی از خواست‌های حق طلبانه مردم جهان سوم بود، اما در انعکاس واقعیاتی که در رابطه بانژادپرستی، تبعیض نژادی و بیگانه‌ستیزی در غرب حاکم است، موفق عمل کرد، به ویژه سازمان‌های غیردولتی نقش بسیار فعالی در ارائه و طرح مطالبات به حق مردم کشورهای فقیر و ستم‌دیده ایفا کردند و توانستند بیش از پیش نقش خود را در عرصه جهانی تثبیت کنند. فعالیت این سازمان‌ها انعکاس وسیعی در رسانه‌های گروهی جهان یافت و افکار عمومی جهان را با این سازمان‌ها بیش از پیش آشنا ساخت.

هرچند که مصوبات این همایش انتظارات مردم جهان سوم را برآورده نساخت، اما همان‌گونه که مری رابینسون در پایان همایش اظهار عقیده کرد: «تنها راه سنجش تأثیرگذاری نتایج همایش آثار مثبتی است که متوجه قربانیان نژادپرستی در سرتاسر جهان خواهد شد.